

رابطه بین مدیریت دانش با خودکارآمدی و خلاقیت معلمان مراکز

پیش دبستانی

سارا باعزت^{۱*}، حسین افلاکی فرد^۲ و نیما شهیدی^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۱۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین مدیریت دانش با خودکارآمدی و خلاقیت معلمان مراکز پیش دبستانی ناحیه دو شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ بود. جامعه آماری شامل تمامی معلمان مراکز پیش دبستانی ناحیه دو آموزش و پرورش شهر شیراز به تعداد ۷۸ نفر بود و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده و بر اساس جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان تعداد ۶۶ نفر به عنوان اعضای نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه مدیریت دانش جاشپارا (۲۰۰۴) که پایایی آن بر اساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹ بود، پرسش‌نامه خودکارآمدی معلمان شوارتز و همکاران (۱۹۹۱) که پایایی آن بر اساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۲ بود و پرسش‌نامه خلاقیت رندسیپ با آلفای کرونباخ ۰/۷۶ می‌باشد. برای بررسی رابطه بین ابعاد گوناگون مدیریت دانش شامل خلق، سازماندهی، بکارگیری و تبادل دانش با خودکارآمدی و خلاقیت معلمان از محاسبه ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین، برای تعیین قدرت پیش بینی ابعاد مدیریت دانش برای خودکارآمدی و خلاقیت معلمان از تحلیل رگرسیون هم‌زمان استفاده شد. نتایج نشان دادند که بین تمام ابعاد مدیریت دانش با خودکارآمدی و خلاقیت معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، از بین ابعاد مدیریت دانش بعدسازماندهی دانش از قدرت پیش بینی معناداری برای خودکارآمدی معلمان و ابعاد سازماندهی و بکارگیری دانش از قدرت پیش بینی معناداری برای خلاقیت معلمان برخوردار بودند.

واژه های کلیدی: مدیریت دانش، خودکارآمدی، خلاقیت، معلمان، پیش دبستانی.

۱- گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان، ارسنجان، ایران.

۲- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان، ارسنجان، ایران.

۳- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، نورآباد ممسنی، ایران.

*- نویسنده مسئول مقاله: sara110bz@gmail.com

مقدمه

آموزش پایه و بویژه آموزش‌های پیش دبستانی امروزه به عنوان بنیان تمامی آموزش‌های دیگر در دنیا مطرح می‌باشند و بسیاری از کشورها برای ساختن جامعه‌ای پیشرفته به آموزش‌های پیش‌دبستانی توجهی ویژه دارند. در دنیای امروزی یکی از راههای افزایش توانمندی و شایستگی‌های کارکنان استفاده از مدیریت دانش می‌باشد که به شیوه‌ای سازمان یافته و مدون به تولید و سازماندهی و تبادل و بکارگیری دانش در سازمان‌ها می‌پردازد و سعی دارد که به این ترتیب دانش سازمان و کارکنان سازمان‌ها را به روزتر و اثربخش‌تر و کارآیی سازمان‌ها را افزایش دهد. آموزش و پرورش نیز به عنوان سازمانی بسیار تأثیر گذار در جامعه نیز از بکارگیری مدیریت دانش بی نیاز نیست. از جنبه‌هایی که تصور می‌شود بکارگیری مدیریت دانش بتواند باعث افزایش آن گردد، خودکارآمدی و خلاقیت معلمان می‌باشند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بهبود باورهای معلمان به قابلیت‌های خود که از آن به عنوان خودکارآمدی یاد می‌شود، می‌تواند تأثیری به سزا بر بهبود عملکرد معلمان و در نتیجه یادگیری بهتر دانش آموزان داشته باشد. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که دانش از ارزشمندترین و مهم‌ترین منابعی است که یک سازمان دارا می‌باشد (Ciganek et al, 2008). ضرورت مدیریت دانش در سازمان‌های آموزشی به دلیل اهمیتی که این سازمان‌ها در تولید و انتشار دانش دارند، بیش‌تر خودنمایی می‌کند. چو و همکاران (Chue et al, 2011) بر این باورند که کاربرد مدیریت دانش در مدارس می‌تواند باعث بهبود فرآیند تدریس معلمان گردد. پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده اند که توجه بر مدیریت دانش در مدارس و نظام آموزش باعث بهبود در فرآیندهای گوناگون آموزشی، کیفیت زندگی کاری، توسعه حرفه‌ای و خلاقیت معلمان می‌گردد (Petrides and Nodin, 2003; Wang and Jia, 2005).

یکی از مهم‌ترین مراکز آموزشی که به نظر می‌رسد بتوانند با استفاده از مدیریت دانش به بهبود وضعیت آموزشی خود کمک کنند، مراکز پیش دبستانی هستند. از آنجایی که مراکز پیش دبستانی به عنوان نخستین مرکز آموزش رسمی در طول زندگی افراد مطرح می‌شوند و ماهیت کار آنان به لحاظ تأثیر گذاری بر رفتار و مهارت‌های پایه و شخصیت کودکان بسیار حساس می‌باشد، نیازمند به برخورداری از دانش روز در زمینه‌های آموزش و روش‌های مناسب آن برای آموزش کودکان، روان‌شناسی تربیتی و ... می‌باشند. لذا، معلمان مراکز پیش دبستانی نیاز دارند که از راه کسب و تبادل و بکارگیری دانش بتوانند توانایی‌ها و مهارت‌های خود را برای تربیت نسل آینده برای زندگی در دنیای پیچیده پیش روی‌شان فراهم کنند. از سوی دیگر، تصور می‌شود که افزایش دانش و آگاهی‌های معلمان باید بتواند خودکارآمدی و خلاقیت آنان را برای امور آموزشی افزایش دهد. بر این اساس، مهم است که معلمان به توانایی‌های خود که بر اثر مدیریت دانش در آن‌ها

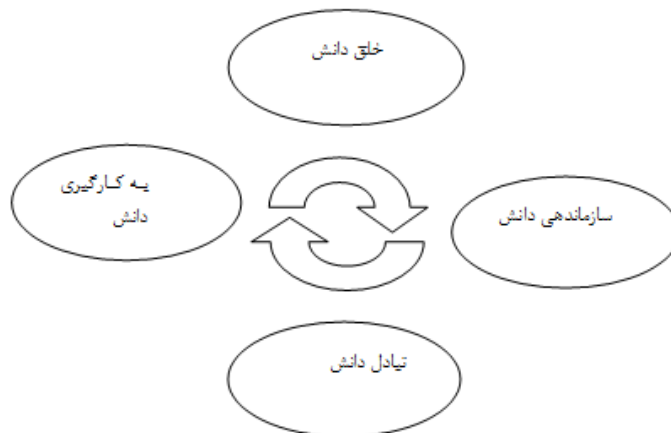
ایجاد شده باور داشته و بتوانند از پس مسئولیت‌های خطیر خود در آموزش کودکان برآیند و در این را از قدرت خلاقیت خود نیز به خوبی بهره گیرند.

لذا، این پژوهش باتوجه به اهمیت نقش معلمان مراکز پیش دبستانی در شکل دهی رفتارها و مهارت‌های یادگیرندگان و از سویی نیاز معلمان این مراکز به داشتن دانش و آگاهی های مناسب و به روز برای آموزش نسل آینده ، سعی دارد که به بررسی این مسئله بپردازد که چه رابطه‌ای بین مدیریت دانش معلمان با خودکارآمدی و خلاقیت آنان در مراکز پیش دبستانی ناحیه دو شهر شیراز وجود دارد؟ و آیا ابعاد گوناگون مدیریت دانش شامل خلق و سازماندهی و بکارگیری و تبادل دانش در بین معلمان موجب افزایش خودکارآمدی و خلاقیت آنان می‌شود؟

داونپورت (Davenport, 1998, p 18) مدیریت دانش را تلاش برای کشف گنج نهفته در ذهن افراد و تبدیل این گنج پنهان به دارایی سازمان به گونه‌ای که مجموعه‌ای وسیع از افرادی که در تصمیم‌گیری‌های سازمان دخیل هستند، بتوانند از آن استفاده کنند تعریف می‌کند. بالکوم (Balcomb, 1999) مدیریت دانش را «کسب نظام مند دانش، اشتراک، خلق و کاربرد دانش بمنظور افزایش ارزش سازمان» تعریف می‌کند. شان هونگ (Shanhong, 2000) مدیریت دانش عبارت است از «تشخیص موثر، آفرینش، توسعه، حل، استفاده، ذخیره و اشتراک دانش بمنظور ایجاد رویکردی جهت تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح» در یک جمع بندی کلی از تعاریف مدیریت دانش، مدیریت دانش را می‌توان بدین گونه تعریف کرد: «مدیریت دانش عبارت است از اعمال مدیریت و زمینه سازی برای تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح در داخل یک سازمان از راه گردآوری، به اشتراک گذاری و استفاده از دانش به عنوان یک سرمایه سازمان در راستای دستیابی به اهداف سازمان». جاشپارا (۲۰۰۴) عنوان می‌کند که مدیریت دانش دارای چهار فرآیند اساسی خلق دانش، سازماندهی دانش، بکارگیری دانش و انتقال دانش می‌باشد. با توجه به ابعاد گوناگون مدیریت دانش که در کنار هم آمده‌اند، جاشپارا مدیریت دانش را در قالب یک چرخه چهار حلقه‌ای این گونه تعریف می‌کند: ((فرآیندهای یادگیری اثر بخش که توأم با خلق، سازماندهی، تبادل دانش و بکار بستن آن می‌باشد که سبب ارتقاء سرمایه عقلایی سازمانی و بهبود عملکرد آن می‌باشد)) (Jashpara, 2004).

جاشپارا (Jashpara, 2004) خلق دانش را فرآیند بی پایان خلق ایده‌های نوین، شناخت الگوهای تازه، ترکیب قواعد جدا از یکدیگر و ایجاد فرآیندهای نوین بمنظور ایجاد دانش می‌داند. سازماندهی دانش از نظر وی عبارت است از ذخیره، ثبت و نگهداری دانش در شکل و یا چارچوبی که پیوستگی اجزای آن را حفظ کند و قابلیت بازایی و استفاده به وسیله کارکنان سازمان را داشته باشد. تبادل دانش نیز بر اساس نظر وی عبارت است از حرکت و توزیع دانش بین افراد و پایگاههای دانش.

هم‌چنین، وی بکارگیری دانش را استفاده از ایده‌ها و دانش بدست آمده بدون جهت‌گیری در مورد این که چه کسی آن‌ها را مطرح کرده است.



شکل ۱- مدل چهار حلقه ای مدیریت دانش جاشپارا.

بندورا (Bandura, 2000) خودکارآمدی را به عنوان باورهای افراد به توانایی‌های خود در انجام وظایف به گونه موفقیت آمیز تعریف کرده است. "هم‌چنین، گیست (Gist, 1992) باورهای خود کارآمدی را به عنوان پیامد فرایند مقایسه، ترکیب و ارزیابی داده‌ها در مورد توانایی‌های فرد تعریف کرده است که بر انتخاب و میزان تلاش او برای انجام وظایف اثر می‌گذارد. پرز و همکاران (Perez et al, 2011) بیان می‌کنند که خودکارآمدی یکی از مهم‌ترین مکانیزم‌های کنترل رفتار خود تنظیمی است. خودکارآمدی دارای جزئی انگیزشی است که تلاش‌ها و فشارهای لازم برای ایجاد نتایج و بروندادهای مورد نظر در فعالیت‌های مربوط به شغل را مورد توجه قرار می‌دهد. امروزه باورهای خودکارآمدی به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین عوامل در تبیین رفتارهای انسانی بشمار می‌رود. پاچارز (Pajares, 2002) اهمیت باورهای خودکارآمدی را در تبیین و پیش بینی عملکردها، تأثیر بر عواطف و هیجان‌ها، تقویت حس خودکنترلی، سلامت جسمی و روانی، توسعه حرفه ای، تلاش و پشتکار، واکنش مناسب در مقابل شکست، انتخاب راهکارهای مناسب و انتخاب اهداف چالش برانگیز می‌داند. بندورا (Bandura, 2000) خودکارآمدی معلمان را نوعی از خودکارآمدی می‌داند و پیشنهاد می‌کند که خودکارآمدی معلمان شامل کارآمدی فردی تدریس و کارآمدی حرفه ای تدریس می‌باشد. شانن- موران (Tschannen-Moran)، وولفولک و هوی (Woolfolk and Hoy) خود کارآمدی معلمان را به عنوان «قضاوت استاد از توانایی‌هایش برای بدست آوردن نتایج و بروندادهای مطلوب از فعالیت‌های دانش‌آموزان و یادگیری حتی در بین دانش‌آموزان بی انگیزه یا سرسخت» تعریف می‌کنند (Henson, 2011). پژوهش‌هایی که به وسیله

پژوهشگرانی گوناگون انجام گرفته از تأثیر باورهای خودکارآمدی معلمان بر توسعه شناختی یادگیرندگان و موفقیت‌شان در مدرسه حکایت دارد (Ross, 1998 & Muijs and Rejnolds, 2001). باورهای خودکارآمدی معلم ممکن است به روش‌هایی متفاوت بر موفقیت یادگیرندگان تأثیر بگذارد. معلمانی که از خودکارآمدی بالاتری برخوردارند، نسبت به آن‌هایی که از خودکارآمدی پایین‌تری برخوردارند، تمایل به کاربرد روش‌های خلاقانه آموزش در کلاس و همچنین، استفاده از دیدگاه‌های گوناگون مدیریت کلاس و کاربرد روش‌های گوناگون تدریس برای ترغیب یادگیرندگان به خود اتکایی و کاهش نظارت شدید معلم دارند (Guskey, 1998, p 631). آن‌ها همچنین، در برابر یادگیرندگان با نیازهای ویژه مسئولیت‌پذیرتر هستند (Allinder, 1994, p 88). چاکان (Chucon, 2005) اشاره می‌کند که معلمان با باورهای خودکارآمدی بالاتر بهتر می‌توانند مشکلات کلاس را مدیریت و حل کنند. خودکارآمدی بالای معلمان همچنین، باعث بهبود احساس کارآمدی در یادگیرندگان و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کلاسی و تلاش‌های‌شان برای رویارویی با مشکلات می‌گردد (Ross, Hoogaboomb-gray and Hannay, 2001). چان (Chan, 2008) اشاره می‌کند که خودکارآمدی معلمان به صورت ویژه با بروندهای دانش آموزان که شامل پیشرفت تحصیلی، انگیزه و احساس کارآمدی آنان است ارتباط دارد. همچنین، بر رفتار معلمان که در نهایت به فعالیت‌های تدریس وی منجر می‌شود، تأثیر گذار است. همچنین، کاپرارا (Caprara, 2006) در پژوهشی نشان دادند که خودکارآمدی معلمان هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم و از راه رضایت شغلی آن‌ها می‌تواند باعث موفقیت تحصیلی یادگیرندگان شود.

خلاقیت نیز به عنوان عنصری مهم در سازمان‌ها و بویژه در سازمان‌های آموزشی از جایگاهی ویژه برخوردار است. تورنس خلاقیت را فرآیند حس کردن مشکلات و مسایل، شکاف در داده‌ها، عنصرهای گم شده و چیزهای ناجور، سپس حدس‌زدن و فرضیه‌سازی درباره‌ی این کمبودها و ارزیابی و آزمودن این حدس‌ها و فرضیه‌ها و بازنگریستن و بازآزمودن آن‌ها و سرانجام ارایه نتیجه‌ها می‌داند (Seyf, 2008). ورنون خلاقیت را توانایی شخص در ایجاد ایده‌ها، نظریه‌ها و بینش‌های نو و بازسازی دوباره در سایر زمینه‌ها تعریف می‌کند که به عنوان پدیده‌ای ابتکاری و با ارزش قلمداد گردد (Hosseini, 2009). خلاقیت به عنوان یک نیاز عالیه همیشه در زندگی بشری نقشی موثر داشته و سازمان‌ها برای رقابت در شرایط پیچیده امروزی افزون بر دسترسی به دانش به خلاقیت کارکنان خود نیز نیازمند هستند (Civi, 2010). پژوهشگران نشان داده‌اند که بین دانش و خلاقیت ارتباط وجود دارد و افراد و سازمان‌ها برای بهبود وضعیت خلاقیت خود نیازمند به بهره‌گیری از دانش هستند و استفاده مناسب از دانش به خلاقیت افراد بستگی دارد (Duffy, 2000).

لیو (Lio, 2009) در پژوهشی ارتباطی مثبت بین کسب دانش و افزایش خلاقیت کارکنان را گزارش کرد. همچنین، پژوهش‌های دیگر نیز نشان دادند که بین تبادل دانش و بهره‌گیری از منابع گسترده

دانش و خلاقیت کارکنان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد (Edmonds & Candy, 2002) (Bhatt, 2001).

آوانگ و همکاران (Awang et al, 2012) در پژوهشی که درباره کاربرد مدیریت دانش در نظام آموزشی مالزی انجام داده بودند، به این نتیجه رسیدند که مدیریت دانش عاملی مهم در بهبود وضعیت حرفه‌ای معلمان و توسعه نظام آموزشی و افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می‌باشد. درانگ (Drang, 2011) نیز در پژوهشی به بررسی دیدگاه معلمان مقطع پیش دبستانی درباره مدیریت دانش و مدیریت کلاس پرداخته و بیان می‌کند که بکارگیری مدیریت دانش در بین معلمان مراکز پیش دبستانی باعث بهبود وضعیت مدیریت کلاس در آن‌ها و افزایش توانمندی‌های آموزشی آنان گردیده. مارگولیس و مک کیب (Margolis & McCabe, 2010) نیز در پژوهشی با عنوان " خودکارآمدی به عنوان کلیدی برای بهبود انگیزه یادگیری یادگیرندگان " به این نتیجه رسیدند که خودکارآمدی معلمان باعث بهبود یادگیری و افزایش انگیزه یادگیری یادگیرندگان می‌گردد. سریت (Cerit, 2010) نیز در پژوهشی برای اعتبار سنجی مقیاس خودکارآمدی معلمان در ترکیه نشان داد که خودکارآمدی معلمان باعث بهبود فعالیت‌های آموزشی و کیفیت تدریس آنان می‌گردد. اولسن (Ohlsen, 2009) نیز در پژوهشی نشان داد که کیفیت معلمان باعث بهبود برونادهای یادگیرندگان می‌شود. وی یکی از ویژگی‌های کیفیت معلمان را خودکارآمدی آنان می‌داند که باعث بهبود توانایی‌های رهبری و تدریس معلمان می‌شود. فون ویلاس (Von Villas, 2004) نیز در پژوهشی که به بررسی راههای بهبود کلاس‌های درس می‌پرداخت، نشان داد که تلاش برای توسعه باورهای خودکارآمدی معلمان باعث بهبود یادگیری یادگیرندگان و بهبود کیفیت تدریس معلمان می‌گردد. پتریدیس و نادین (Petrides and Nodin, 2003) نیز در پژوهشی با عنوان " مدیریت دانش در آموزش و پرورش " نشان دادند که بکارگیری استراتژی مدیریت دانش در مدارس و نهادهای آموزشی می‌تواند به بهبود برونادهای آموزشی و خلاقیت معلمان، مدارس و یادگیرندگان کمک کند.

قلایی و همکاران (Ghalai et al, 2012) در پژوهشی به ارزیابی مدل باورهای خودکارآمدی معلمان به عنوان تعیین کننده میزان رضایت شغلی آن‌ها و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پرداخته و نشان دادند که خودکارآمدی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد. نیاز آذری و همکاران (Niazazari et al, 2011) نیز در پژوهشی به بررسی نقش مدیریت دانش بر خلاقیت دبیران مدارس متوسطه پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که بین جنبه‌های گوناگون مدیریت دانش و خلاقیت دبیران رابطه‌ای معنادار وجود دارد. شیرزادکبریا و خوش نظر (Shirzadkebria & Khoshnazar, 2009) در پژوهشی نیز به بررسی تاثیر مدیریت دانش بر عملکرد پژوهشی دبیران دوره دبیرستان از دیدگاه مدیران شهرستان سقز در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹

پرداختند و نشان دادند که بین مدیریت دانش و عملکرد پژوهشی دبیران رابطه مسقیم وجود دارد به گونه‌ای که با افزایش هر کدام از ابعاد مدیریت دانش عملکرد پژوهشی دبیران نیز افزایش می‌یابد. جورابچی (Joorabchi, 2008) در پژوهشی بمنظور بررسی تأثیر مدیریت دانش بر عملکرد دبیران دوره متوسطه شهر تهران نشان داد که تمامی ابعاد مدیریت دانش با عملکرد دبیران از جمله خلاقیت آنان رابطه مثبت و معنادار دارند.

روش پژوهش

روش انجام پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی معلمان مراکز پیش دبستانی ناحیه دو شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ بود که تعداد آنان ۷۸ نفر می‌باشد که در ۵۰ مرکز پیش دبستانی مشغول به کار بودند. با توجه به تعداد افراد جامعه آماری، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری صورت تصادفی ساده استفاده شد. حجم نمونه با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان، ۶۶ نفر برآورد شد که این تعداد افراد از بین جامعه آماری انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها در این پژوهش شامل سه پرسش‌نامه زیر بود.

- پرسش‌نامه مدیریت دانش جاشپارا (۲۰۰۴): این پرسش‌نامه در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای بوده و دارای ۴۳ عبارت است که مدیریت دانش را در چهار مولفه خلق دانش، سازماندهی دانش، تبادل و بکارگیری دانش مورد سنجش قرار می‌دهد. پایایی این پرسش‌نامه از راه محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش شده است. روایی پرسش‌نامه نیز به صورت صوری و با استفاده از نظر کارشناسان و صاحب‌نظران تأیید شده است.

- پرسش‌نامه خود کارآمدی معلمان شوارتزر و همکاران (۱۹۹۹): این پرسش‌نامه دارای ۱۰ گویه می‌باشد که در طیف ۴ درجه ای لیکرت ساخته شده است. این پرسش‌نامه دارای ۱۰ عبارت بوده و روایی پرسش‌نامه به وسیله کارشناسان و صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفت. شوارتزر پایایی پرسش‌نامه را که بر اساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در سه نمونه مورد مطالعه انجام شده، بین ۰/۷۶ و ۰/۸۲ گزارش کرده است.

- پرسش‌نامه خلاقیت رندسیپ

این پرسش‌نامه نامی دارای ۵۰ گویه بوده و بر اساس طیف لیکرت ساخته شده است و خلاقیت کلی را مورد بررسی قرار می‌دهد. روایی پرسش‌نامه به وسیله کارشناسان و صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفت. پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ می‌باشد. محدوده نمره آن نیز بین ۱۰۰ تا ۱۰۰- می‌باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به فرضیه‌های مطرح شده، افزون بر استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد، برای بررسی رابطه بین مدیریت دانش و ابعاد گوناگون آن با خودکارآمدی و خلاقیت معلمان مراکز پیش دبستانی از محاسبه ضریب همبستگی پیرسون و همچنین، برای تعیین قدرت پیش‌بینی ابعاد گوناگون مدیریت برای خودکارآمدی و خلاقیت معلمان از تحلیل رگرسیون هم‌زمان استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه نخست: بین خلق دانش و خودکارآمدی و خلاقیت معلمان مراکز پیش دبستانی ناحیه دو آموزش و پرورش شیراز رابطه‌ای معنادار وجود دارد. برای پاسخ به این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که بین متغیر خلق دانش و خودکارآمدی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون $0/524$ بوده و در سطح $0/012$ معنادار می‌باشد. همچنین، ضریب همبستگی بین خلق دانش و خلاقیت معلمان $0/418$ بود که در سطح $0/000$ معنادار بود.

فرضیه دوم: بین سازماندهی دانش و خودکارآمدی و خلاقیت معلمان مراکز پیش دبستانی ناحیه دو آموزش و پرورش شیراز رابطه‌ای معنادار وجود دارد. برای پاسخ به این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که بین متغیر سازماندهی دانش و خودکارآمدی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون $0/460$ بوده و در سطح $0/000$ معنادار می‌باشد. همچنین ضریب همبستگی بین سازماندهی دانش و خلاقیت معلمان $0/266$ بود که در سطح $0/042$ معنادار بود.

فرضیه سوم: بین بکارگیری دانش و خودکارآمدی و خلاقیت معلمان مراکز پیش دبستانی ناحیه دو آموزش و پرورش شیراز رابطه‌ای معنادار وجود دارد. برای پاسخ به این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که بین متغیر بکارگیری دانش و خودکارآمدی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون $0/412$ بوده و در سطح $0/001$ معنادار می‌باشد. همچنین، ضریب همبستگی بین بکارگیری دانش و خلاقیت معلمان $0/364$ بود که در سطح $0/000$ معنادار بود.

فرضیه چهارم: بین تبادل دانش و خودکارآمدی و خلاقیت معلمان مراکز پیش دبستانی ناحیه دو آموزش و پرورش شیراز رابطه‌ای معنادار وجود دارد. برای پاسخ به این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که بین متغیر تبادل دانش و خودکارآمدی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون $0/445$

بوده و در سطح ۰/۰۰۰ معنادار می‌باشد. هم‌چنین، ضریب همبستگی بین تبادل دانش و خلاقیت معلمان ۰/۲۸۹ بود که در سطح ۰/۰۳۱ معنادار بود. در جدول ۱ ضریب همبستگی بین متغیرهای خلق دانش، سازماندهی دانش، بکارگیری دانش و تبادل دانش معلمان با خودکارآمدی آنان ارایه می‌گردد.

جدول ۱- ضریب همبستگی بین ابعاد مدیریت دانش و خودکارآمدی و خلاقیت معلمان.

خلاقیت		خودکارآمدی		متغیر	
سطح	ضریب همبستگی	سطح	ضریب همبستگی	میانگین	
معناداری	۰/۰۰۰	معناداری	۰/۰۱۲	۴/۳۵۴۵	خلق دانش
	۰/۰۴۲		۰/۰۰۰	۳/۹۴۳۲	سازماندهی دانش
	۰/۰۰۰		۰/۰۰۱	۳/۷۸۹۶	بکارگیری دانش
	۰/۰۳۶۴		۰/۴۱۲	۳/۷۱۹۲	تبادل دانش
	۰/۰۳۱		۰/۴۴۵	۴/۲۴۲۴	مدیریت دانش
	۰/۰۴۱۸		۰/۵۲۴	۳/۳۵۶۱	خودکارآمدی
	-		-	۳/۵۷۴۳	خلاقیت
	۱		-		

باتوجه به معنادار بودن ضریب همبستگی بین مدیریت دانش و معلمان، برای مشخص کردن مقدار تأثیر این ابعاد بر خودکارآمدی و خلاقیت معلمان از رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج در جداول زیر ارایه شده است.

جدول ۲- محاسبه رگرسیون همزمان بین ابعاد مدیریت دانش و خودکارآمدی معلمان.

مدل	SS	درجه آزادی	MS	F	سطح معنا داری	R	R ²	R ² اصلاح شده
۱	۲/۴۶۹	۴	۰/۶۱۷	۶/۰۵۰	۰/۰۰۰ ^a	۰/۵۳۴	۰/۲۸۵	۰/۲۳۸
	۶/۱۹۳	۶۱	۰/۱۰۲					
	۸/۶۶۳	۶۵						

جدول ۵- ضرایب رگرسیون هم‌زمان.

مدل	ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد شده		t	سطح معنی داری
		B	خطای استاندارد		
۱ مقدار ثابت	6/059	0/242		۴/۹۳۹	0/000
خلق	0/575	1/774	0/039	0/324	0/746
سازماندهی	4/095	0/828	0/276	2/240	0/026
بکارگیری	3/459	۱/027	0/249	2/003	0/047
تبادل	3/639	1/954	0/2۳5	1/862	0/064

همان گونه که مشاهده می‌شود، ضرایب رگرسیون هم‌زمان بین خلاقیت معلمان و ابعاد مدیریت دانش برابر با ۰/۴۲۷ می‌باشند. استفاده از آزمون F نشان داد که این ضریب در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار می‌باشند. هم‌چنین، ضریب تعیین اصلاح شده نیز ۰/۱۵۳ می‌باشد که بیانگر این است که ۱۵/۳ درصد خلاقیت معلمان به وسیله مدیریت دانش پیش بینی می‌گردد. از بین ابعاد گوناگون مدیریت دانش، ابعاد سازماندهی دانش با ضریب بتای استاندارد ۰/۲۷۶ و بکارگیری دانش با ضریب بتای استاندارد ۰/۲۴۹ از بیش‌ترین قدرت پیش بینی برای خلاقیت معلمان برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به وجود رابطه مثبت، مستقیم و معنا دار بین مدیریت دانش و خودکارآمدی و خلاقیت معلمان می‌توان نتیجه گرفت که اگر مدیریت دانش بدرستی در بین معلمان اجرا شود، آن‌ها با خلق، سازماندهی، بکارگیری و انتقال دانش خود می‌توانند باعث تقویت باورهای آنان نسبت به تواناییهای خود در امر تدریس و بهبود خلاقیت آنان در انجام وظایف آموزشی و سازمانی شده و به بهبود کیفیت فرآیندهای آموزشی منجر شود. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های آوانگ و همکاران (Awang et al, 2012)، درانگ (Drang, 2011)، سریت (Cerit, 2010)، اولسن (Ohlsen, 2009)، فون ویلاس (Von Villas, 2004)، پتریدیس و نادین (Petrides & Nodin, 2003)، قلائی و همکاران (Ghalai et al, 2012)، نیاز آذری و همکاران (Niazazari et al, 2011) و شیرزادکبریا و خوش نظر (shirzadkebria & Khoshnazar, 2009) و جورابچی (Joorabchi, 2008) همسو می‌باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که مدیران مدارس زمینه لازم برای اجرای مدیریت دانش در مدارس را فراهم نمایند و با اتخاذ سیاست‌هایی آن‌ها را ترغیب به ایجاد و بکارگیری

مدیریت دانش در مدارس و کلاس‌های خود نمایند و با استفاده از ظرفیت‌های مدیریت دانش خودکارآمدی و خلاقیت خود را افزایش دهند و منجر به بهبود فرآیندهای آموزشی شوند. با توجه به وجود رابطه مثبت و مستقیم و معنا دار بین بعد خلق دانش و خودکارآمدی و خلاقیت معلمان می‌توان نتیجه گرفت که خلق دانش به عنوان یکی از ابعاد مدیریت دانش که بر تولید دانش تأکید دارد، می‌تواند باعث بهبود خودکارآمدی معلمان در امور آموزشی و سازمانی گردد. به بیان دیگر، تولید و اکتساب دانش مورد نیاز معلمان مراکز پیش دبستانی به وسیله آنان و بها دادن مدیران به دانش و ایده‌های ایجاد شده به وسیله معلمان می‌تواند باورهای آنان به توانایی‌های خود در انجام وظایفشان به گونه موفقیت آمیز و خلاقیت آنان را افزایش داده و آنان را در انجام وظایف محوله موفق دارد و در نهایت، منجر به بهبود برون‌دادهای آموزشی از جمله یادگیری‌های دانش آموزان می‌گردد. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های آوانگ و همکاران (Awang et al, 2012)، درانگ (Drang, 2011)، سريت (Cerit, 2010)، اولسن (Ohlsen, 2009)، قلابی و همکاران (Ghalai et al, 2012)، نیاز آذری و همکاران (Niazazari et al, 2011) و شیرزادکبریا و خوش نظر (shirzadkebria & Khoshnazar, 2009) همسو می‌باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که مدیران مدارس و مسئولان نواحی گوناگون آموزش و پرورش زمینه‌های لازم برای تولید دانش مورد نظر در بین معلمان پیش دبستانی را فراهم کنند. برای مثال، با ایجاد کتابخانه‌های تخصصی مربوط به تعلیم و تربیت پیش دبستانی در مدارس و ایجاد سامانه‌های اینترنتی مناسب در مدارس زمینه‌های آشنایی معلمان پیش دبستانی با علم روز و روش‌های مدرن در دانش تعلیم و تربیت پیش دبستانی را فراهم کنند و آن‌ها را در کسب دانش نوین و خلق دانش مناسب برای آموزش پیش دبستانی یاری کنند.

با توجه به وجود رابطه مثبت و مستقیم و معنا دار بین بعد سازماندهی دانش و خودکارآمدی و خلاقیت معلمان می‌توان نتیجه گرفت که سازماندهی دانش به عنوان یکی از ابعاد مدیریت دانش که بر حفظ و نگهداری دانش تأکید دارد، می‌تواند با اهمیت دادن به ثبت و ذخیره دانش ایجاد شده یا کسب شده در مدارس و در بین معلمان باعث بهبود خودکارآمدی معلمان و تقویت باورهای آنان نسبت به توانایی‌هایشان در انجام امور آموزشی شده و همچنین، به ایجاد و توسعه خلاقیت معلمان کمک کرده که این امر به بهبود یادگیری یادگیرندگان و کیفیت تدریس معلمان منجر می‌شود. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های آوانگ و همکاران (Awang et al, 2012)، درانگ (Drang, 2011)، سريت (Cerit, 2010)، اولسن (Ohlsen, 2009)، چان (Chan, 2008)، فون ویلاس (Von Villas, 2004)، قلابی و همکاران (Ghalai et al, 2012)، نیاز آذری و همکاران (Niazazari et al, 2011) و شیرزادکبریا و خوش نظر (shirzadkebria & Khoshnazar, 2009) همسو می‌باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که مدیران مدارس و مسئولان نواحی گوناگون آموزش و پرورش

امکانات لازم جهت ذخیره و ثبت دانش ایجاد شده در مدارس و در بین معلمان را فراهم نموده و با تشویق آنان به همکاری در ذخیره دانش آموزش و پرورش پیش دبستانی زمینه دسترسی سایر معلمان به این دانش را افزایش داده و از پراکنده کاری در این زمینه جلوگیری شود.

با توجه به وجود رابطه مثبت، مستقیم و معنادار بین بعد بکارگیری دانش و خودکارآمدی و خلاقیت معلمان می‌توان نتیجه گرفت که بکارگیری دانش به عنوان یکی از ابعاد مدیریت دانش که بر استفاده از ایده‌ها و دانش تأکید دارد، می‌تواند با اهمیت دادن به بکارگیری دانش ایجاد شده یا کسب شده در بین معلمان باعث بهبود خودکارآمدی معلمان و تقویت باورهای آنان نسبت به توانایی‌های‌شان و خلاقیت آنان در انجام وظایف آموزشی شده و در نهایت، به بهبود وضعیت بروندهای آموزشی مدارس و مراکز پیش دبستانی و یادگیری دانش آموزان منجر شود. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های آوانگ و همکاران (Awang et al, 2012)، درانگ (Drang, 2011)، اولسن (Ohlsen, 2009)، چان (Chan, 2008)، قلائی و همکاران (Ghalai et al, 2012)، نیاز آذری و همکاران (Niazazari et al, 2011) و شیرزادکبریا و خوش نظر (shirzadkebria & Khoshnazar, 2009) همسو می‌باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که مدیران مدارس و مسئولان نواحی گوناگون آموزش و پرورش زمینه‌های لازم برای بکارگیری دانش آموزش و پرورش پیش دبستانی را در این مراکز فراهم کنند.

با توجه به وجود رابطه مثبت و مستقیم و معنا دار میان بعد تبادل دانش و خودکارآمدی و خلاقیت معلمان می‌توان نتیجه گرفت که تبادل دانش به عنوان یکی دیگر از ابعاد مدیریت دانش که بر توزیع و انتشار ایده‌ها و دانش در بین معلمان به صورت‌های گوناگون تأکید دارد، می‌تواند با اهمیت دادن به انتشار دانش ایجاد شده یا کسب شده در بین معلمان باعث تقویت باورهای آنان نسبت به توانایی‌های‌شان و خلاقیت آنان در انجام وظایف آموزشی شده و به بهبود وضعیت یادگیری دانش آموزان و افزایش کیفیت بروندهای مراکز پیش دبستانی منجر شود. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های آوانگ و همکاران (Awang et al, 2012)، درانگ (Drang, 2011)، سریت (Cerit, 2010)، اولسن (Ohlsen, 2009)، فون ویلاس (Von Villas, 2004)، قلائی و همکاران (Ghalai et al, 2012)، نیاز آذری و همکاران (Niazazari et al, 2011) و شیرزادکبریا و خوش نظر (Shirzadkebria & Khoshnazar, 2009) همسو می‌باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مدیران مدارس و مسئولان نواحی گوناگون آموزش و پرورش زمینه‌های لازم برای افزایش امکان انتشار و توزیع ایده‌ها و دانش در بین معلمان پیش دبستانی را فراهم نمایند. از جمله این‌که با برگزاری همایش‌ها و سمینارهای علمی تخصصی درباره آموزش و پرورش پیش دبستانی موجب افزایش آگاهی معلمان از پژوهش‌های همکاران خود و آشنایی با دانش نوین و به روز تعلیم و تربیت شده و

با تبادل داده‌ها با همکاران خود از ایده‌های مناسب آنان برای بهبود وضعیت آموزشی و تدریس خود و تقویت باورهای خودکارآمدی و خلاقیت شان بهره گیرند.

References

- Allinder, R. M. (1994). The relationship between efficacy and the instructional practices of special education teachers and consultants. *Teacher Education and Special Education*, No.17, pp: 86-95. 4
- Awang, M. Ismail, R. Flett, P. Curry, A. (2012). Knowledge Management in Malaysian School Education: Do the Smart Schools Do It Better? *Quality Assurance in Education: An International Perspective*, vol: 19 No: 3 pp: 263 - 282
- Bandura, A. (2000). *Cultivate Self-Efficacy For Personal And Organization Effectiveness Handbook Of Principles Of Organization Behavior*. Oxford, Uk: Blackwell.Pp.120-139
- Balcombe, J. (1999). *Getting Out Of the Box: The Role of Information Professional in Knowledge Management*. The Low Librarian.
- Bhatt, G.D. (2001). Knowledge management in organizations: examining the interaction between technologies techniques, and people. *Journal of knowledge management*, Vol. 5, No. 1, PP: 68-75.
- Caprara, G.V. (2006). Teachers' Self-Efficacy Beliefs As Determinants Of Job Satisfaction And Students' Academic Achievement: A Study At The School Level, *Journal Of School Psychology*, No. 44 , Pp:473–490
- Chacon, C. T. (2005). Teachers' perceived efficacy among English as a foreign language teacher in middle schools in Venezuela. *Teaching and Teacher Education*, 21, 257-272.
- Chan, D. (2008). Teacher self-efficacy and successful intelligence among Chinese secondary school teachers in Hong Kong, *Educational Psychology*, Vol. 28, No. 7, 735–746, available at : <http://www.informaworld.com/smpp/title~content=t713415498>
- Chue, K.W. Wang, M. & Yuen, A. (2011). Implementing Knowledge Management in School Environment: Teachers' Perception, *Knowledge Management & E-Learning: An International Journal*, Vol.3, No.2.
- Ciganek, A.P. Mao, E. & Srite, M. (2008). Organizational Culture for Knowledge Management, Vol. 4, No.1, Pp.1-16
- Civi, E. (2000). Knowledge management as a competitive asset: a review marketing intelligence and planning, Vol. 18, No. 4, PP: 166-74.
- Davenport, I.H. (1998). *Working Knowledge: How Organization Manage What They Know*. Harvard Bussiness School Press, Boston, MA
- Drang, D. (2011). *Preschool Teachers' Beliefs, Knowledge, and Practices Related to Classroom Management*, Dissertation from Digital Repository at the University of Maryland.

- Duffy, J. (2000). Knowledge management: to be or not to be. *Information Management Journal*. Vol. 34. No. 1. PP:: 64-7.
- Edmonds, E. & Candy, J. (2002). Creativity art practice, and knowledge. paper of the ACM 45 (10).PP: 91-95.
- Ghalai, B. Kadivar, P. Sarami, Gh. & Esfandiari, M. (2012). Assessment Of Teachers Model Of Self-Efficacy Believes As Predictor Of Their Job Satisfaction And Students Academic Achievement, *Research In Curriculum Planning*, Vol 2, No 32, Pp 95-107(Persian)
- Gist, M. E. & Mitchell, T. R. (1992). Self-Efficacy: A Theoretical Analysis of Its Determinants and Malleability. *Academy Of Management Review*, Vol.17, No.2, Pp: 183-211.
- Guskey, T. R. & Passaro, P. D. (1994). Teacher efficacy: A study of construct dimensions. *American Educational Research Journal*, No.31, pp: 627-643.
- Henson, R. K. (2001). The effects of participation in teacher research on teacher efficacy. *Teaching and Teacher Education* 17, 819-836.
- Hosseini, A. (2009). *The Nature of creativity*, Behnashr publication, Mashhad
- Jashapara, A. (2004). *Knowledge Management: An Integrated Approach* Harlow, Essen: Prentice Hall
- Joorabchi, M. (2008). *Studying The Influence Of Knowledge Management On Efficiency Of Tehran High School Teachers*, M.A Thesis, Islamic Azad University, Roodhen Branch, (Persian)
- Lio, X. (2009). How entrepreneurial orientation moderates the effects of knowledge. *System research and behavioral management on innovation*, Vol. 26, Iss. 6. P: 645.
- Margolis, H. & McCabe, P. (2010). *Self-Efficacy: A Key To Improving The Motivation Of Struggling Learners*, Available At : [Http://Www. Informaworld. Com/Smpp/Title~Content=T914957660](http://www.informaworld.com/Smpp/Title~Content=T914957660)
- Muijs, R. D. & Reynolds, D. (2001). Teachers' Beliefs And Behaviors: What Really Matters. *Journal of Classroom Interaction*, No 37, 3-15.
- Niazazari, K. Berimani, A. & Hajigholikhani, B. (2011). Studying The Role of Knowledge Management In Creativity of High School Teachers, *Journal of Management*, Vol 8, No 21, Pp 79-87(Persian)
- Ohlsen, M. (2009). *A Study Of School Culture, Leadership, Teacher Quality And Student Outcomes Via A Performance Framework In Elementary Schools Participating In A School Reform Initiative*, Phd Dissertation ,University Of Florida
- Pajares, F. (2002). Self-Efficacy Beliefs, Motivation, and Achievement In Writing: A Review of The Literature, *Reading And Writing Quarterly: Overcoming Learning Difficulties*, Vol.19, No.2, Pp: 139-158.
- Perez, J.M. (2011). Effects of Self-Efficacy on Objective and Subjective Outcomes In Transactions And Disputes, *International Journal Of Conflict Management*, Vol. 22 No. 2, Pp. 170-189

- Petrides, L. A. & Nodine, T. R. (2003). Knowledge Management in Education: Defining the Landscape. (Report). Half Moon Bay, CA: Institute for the Study Of Knowledge Management In Education.
- Ross, J. A. (1998). The antecedents and consequences of teacher efficacy. In J. Brophy (Ed.), *Advances in Research on Teaching*, Vol. 7, pp: 49-73, Greenwich, CT: JAI Press.
- Ross, J. A., Hogaboom-Gray, A., & Hannay, L. (2001). Effects of teacher efficacy on computer skills and computer cognitions of Canadian students in grades k-3, *The Elementary School Journal*, Vol.102, pp: 141-156
- Seyf, A. (2008). *Educational psychology*, Agah Publication, Tehran
- Shanhong, T. (2000). Knowledge management in libraries in the 21st century. Paper presented at the 66th IFLA council and general conference, Availableat: <http://www.ifla.org/IV/ifla66/papers/057-110e.htm>
- Shirzadkebria, B. & Khoshnazar, (2009). The Effect Of Knowledge Management On Research Efficiency Of Teachers According To Principals' View In Saghez, *Educational Management Researches Journal*, Vol 1, No 2, Pp,11-36(Persian)
- Von Villas, B. (2004). Improving the way we observe classrooms. *School Administrator*, 61 (8), 52-53